

آیوروده یا طب سنتی هند در متون خُتنی

مجید طامه^۱

دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران

(از ص ۶۹ تا ص ۸۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۶/۲۰

چکیده

یکی از مکتب‌های کهن پزشکی در جهان مکتب آیوروده یا همان سنت پزشکی هندی است که با قدمتی نزدیک به پنج‌هزار سال از قدیمی‌ترین مکتب‌های پزشکی به شمار می‌رود. این شیوه پزشکی که در سرزمین هندوستان شکل گرفت و به بلوغ رسید بر دیگر مکاتب پزشکی دنیا تأثیر گذاشته و طب ایرانی نیز از آن متأثر شده است. در متون به‌جامانده از یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی، یعنی خُتنی، در منطقه شین‌جیانگ در ترکستان چین، تأثیر این مکتب به‌وضوح دیده می‌شود. برخی از متون مهم مکتب آیوروده به خُتنی به‌صورت کلی یا جزئی ترجمه شده و پاره‌ای از آنها هنوز به جا مانده است. از جمله مهم‌ترین متون پزشکی به‌جامانده به زبان خُتنی، که در واقع ترجمه‌هایی از متون هندی هستند، می‌توان به سیّده‌ساره و جیوکه‌پوستکه اشاره کرد. نوشته حاضر تلاشی است در جهت معرفی این متون و بررسی محتوای آنها.

واژه‌های کلیدی: پزشکی هندی، آیوروده، پزشکی ایرانی، متون پزشکی خُتنی.

majidtameh@hotmail.com

۱. رایانامه نویسنده:

مقدمه

پزشکی از جمله علوم بوده که در سراسر زندگی بشر نقشی پررنگ داشته و قدمت آن را می‌توان هم‌پایه قدمت انسان دانست، چراکه زندگی همواره با درد و بیماری همراه بوده و برطرف کردن آنها و برگرداندن تندرستی و حفظ‌الصحه و یافتن عمر دراز از مهم‌ترین مشغولیات ذهن بشر بوده است. این که دانش پزشکی نخستین بار نزد کدام قوم و ملتی به وجود آمده و نضج گرفته به‌روشنی مشخص نیست، اما بیشتر اقوام باستانی برای بیماری قائل به منشأی مافوق طبیعی بودند و از همین‌روست که برطرف کردن آن را نیز به شخصی که در امور مافوق طبیعی صاحب آگاهی و تجربه بود احاله می‌دادند. بنابراین، کهنات و طبابت دوشادوش یکدیگر پیش می‌رفتند و در واقع لازم و ملزوم یکدیگر بودند و ظاهراً همین منجر به یکی از نظریه‌های مهم در باب منشأ علم پزشکی شده که می‌گوید پزشکی دارای منشأی الهی است و از خدایان به آدمیان به ارث رسیده است. یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های پزشکی در جهان که تا به امروز نیز ادامه یافته، و دارای کاربرد است، طب هندی یا همان آیوروده (*āyurveda*) است. این واژه مرکب از دو جزء *āyus* «تندرستی، طول عمر» و *veda* «دانش، آگاهی» است و روی هم به معنی «دانش زندگی» یا «دانش دیرزیوی» است. این دانش نزدیک به پنج-هزار سال پیش در هندوستان به وجود آمد و بعدها بر شیوه‌های پزشکی در مکاتب دیگر، چون آیین بودا، آیین دائو و پزشکی تبتی‌ها، تأثیر بسیار گذاشت و با دیگر سنت‌های پزشکی در جهان، همچون طب ایرانی و اسلامی، در تعامل و دادوستد شد (Tirtha, 1998: 3). این دانش بنا بر متون آیوروده ریشه‌ای الهی دارد. بنا بر برخی از این متون، این دانش نخست نزد برهما (*Brahmā*) بود و از او به پرجاپتی (*prajāpati*) و سپس به آشوین‌ها (*Aśvins*) رسید، و بنا بر کتاب سوشروته‌سنهیتا (*suśruta-saṃhitā*) این دانش را نخست ایندرا (*Indra*) به دهنوتتری (*Dhanvantari*) «خدای پزشکی» آموخت و در نهایت این دانش از طریق حکیمان به انسان‌ها رسید (Krishna, 2003: 237). در آغاز چهار کتاب اصلی ودا در عالم معنا وجود داشت و موضوعاتی چون تندرستی، ستاره‌شناسی، حکومت، نظامی‌گری، شاعری و زندگی اخلاقی را در بر می‌گرفت که تحت عناوین ریگ (*ṛg-*)، سامه (*sāma-*)، یجور (*yajur-*) و آتهروه (*atharva*) شناخته می‌شوند. آیوروده در آغاز در کنار دانش ستاره‌شناسی ودایی قرار داشت، اما در نهایت به عنوان شاخه‌ای از آتهروه ودا به حساب آمد. به مرور دانش تندرستی و شیوه‌ها و آموزه‌های آن کامل‌تر شد و سرانجام در قالب سه کتاب، که

در مکتب آیوروده با نام وریده‌تَرِیه (*vrddha-traya*) یعنی «سه‌گانهٔ بالیده/بزرگ»، شناخته می‌شوند، به کتابت درآمد. این سه کتاب عبارتند از چَرکه‌سَنهیتا (*Caraka-saṃhitā*)، سوشروتَه‌سَنهیتا (*Suśruta-saṃhitā*) و اَشَتانگَه‌ریدیه‌سَنهیتا (*Aṣṭāṅga-hṛdaya-saṃhitā*). علاوه بر این سه کتاب اصلی، سه کتاب دیگر با نام لَگهوتَرِیه (*laghu-traya*)، یعنی «سه‌گانهٔ کوچک»، وجود دارد که نام آنها از این قرار است: مادَهوَنیدانه (*Madhava-nidāna*)، شَرنگدَه‌ره‌سَنهیتا (*Saraṅghāra-saṃhitā*) و بهاوپَرکاشَه‌نِیگَهنتو (*Bhāvaprakāṣa-nighaṇṭu*). این سه کتاب در واقع شرح و تفسیر سه کتاب نخست است (Mishra, 2004: 6; Tirtha, 1998: 6; Introduction). طب آیوروده به هشت شاخه تقسیم می‌شود: ۱. شَلِیه (*śalya*) «نیشتر» که مشتمل است بر بیرون آوردن هر جسم خارجی که وارد بدن شده (تیر، خار و ...)، خارج کردن چرک و عفونت از بدن، درآوردن بچهٔ مرده از رحم، و درمان هرگونه تورم و جوش و دمل از طریق جراحی؛ ۲. شالاکیه (*śālākya*) «پزشکی با ابزارهای تیز» یا درمان بیماری‌ها چشم و گوش و گلو بینی با شِلاکه (*śālāka*) یا ابزارهای تیز، و به طور کلی درمان بیماری‌هایی که از ناحیهٔ ترقوه به بالا قرار دارند؛ ۳. کایه‌چیکِستَا (*kāya-cikistā*) «درمان تن» یا درمان بیماری‌هایی که تمام بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مانند تب، اسهال، صرع و ...؛ ۴. بهوته‌ویدیا (*bhūta-vidyā*) «دانش موجودات (شُرور)» یا درمان بیماری‌های روانی که تحت تأثیر خدایان خشمگین یا موجودات شرور به وجود می‌آید؛ ۵. کَومارَه‌بهرِیتیه (*kaumāra-bhṛtya*) «نگهداری کودک» یا درمان بیماری‌های کودکان؛ ۶. اَگَدَه‌تَنتره (*agada-tantra*) «آموزهٔ پادزهر» یا درمان بیماری‌های به‌وجودآمده در اثر سم گیاهی، معدنی یا حیوانی با پادزهرها؛ ۷. راساینه‌تَنتره (*rāsāyana-tantra*) «آموزهٔ اکسیر» یا درمان با اکسیر (*rasāyana*)ها که به طور کلی شامل بازبانی جوانی، زیبایی و شادابی می‌شود؛ ۸. واجیکَرَنه‌تَنتره (*vājīkaraṇa-tantra*) «آموزهٔ نیروافزایی» یا آموزهٔ تقویت نیروی جنسی (Wise, 1854: 2-3; Monier-William, 1872: 148-149).

یکی از پایه‌ای‌ترین اصطلاحات در طب آیوروده اصطلاح *tridośa* است. این اصطلاح، که مرکب از *tri* «سه» و *dośa* «خلط» است، به سه کارکرد مهم در بدن اختصاص دارد و روی هم آن را می‌توان در معنی «اخلط سه‌گانه» دانست. این اخلط عبارتند از *vāyu* یا *vāta* «باد»، *pitta* «صفرا» و *kapha* یا *śleṣman* «بلغم». در

مکتب آیوروده، بیشتر بیماری‌ها را نتیجه اختلال کارکرد یکی از این اخلاط می‌دانند و مردمان را به سه دسته *vāta-prakṛti* «بادی مزاج»، *pitta-prakṛti* «صفراپی مزاج» و *kapha-prakṛti* «بلغمی مزاج» تقسیم می‌کنند. این «اخلاط سه‌گانه» چندان دارای اهمیت است که حتی پدیده‌های طبیعی را نیز در یکی از این سه خلط گنجانده‌اند؛ مثلاً خورشید را بلغمی و سایه را بلغمی یا بادی-بلغمی می‌دانند و با توجه به این اخلاط برای بیماران دارو تجویز می‌شود (Krishna, 2003:239-240). به طور کلی، «باد» بر آنچه نوعی حرکت در بدن به حساب می‌آید، مانند تنفس، حرکت چرخشی روده و دفع تأثیرگذار است؛ «صفرا» با تغییر و تحول ارتباط دارد و بر کارکردهایی چون گوارش، سوخت‌وساز و فرایندهای ذهنی تأثیر می‌گذارد؛ «بلغم» با آنچه باعث ثبات و استواری بدن است ارتباط دارد و کارکرد عضوهای چون مفاصل و اندام‌های حسی را تنظیم می‌کند (Chopra, 2003: 77).

جریان انتقال آراء و علوم هندی به جهان ایرانی سابقه‌ای بس دراز دارد و به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد. از جمله کهن‌ترین متونی که به این موضوع اشاره دارد کتاب چهارم دینکرد است. بنا بر روایت این کتاب، شاپور اول ساسانی فرمان گردآوری کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف پزشکی، ستاره‌شناسی، آفرینش، کون و فساد و... را که در هندوستان و روم و سرزمین‌های دیگر پراکنده بود، داد (تفضلی، ۱۳۸۳: ۳۱۵). ابن ندیم نیز به نقل از ابوسهل فضل بن نوبخت، منجم و مترجم ایرانی (درگذشته ۲۰۰ ه‍.ق)، می‌نویسد که به فرمان اردشیر بابکان و پسرش شاپور کتاب‌هایی را از هند، چین و روم به ایران آوردند و به زبان فارسی میانه ترجمه کردند (رضائی باغبیدی، ۱۳۷۹: ۱۴۵). وجود واژه‌های هندی‌الاصل، مانند *balādur* «بلادر»، *halīlag* «هلیله»، *kāpūr* «کافور»، *koṣā* «کوشا» (دومین برج نجومی در هند) و ... در آثار بازمانده به زبان فارسی میانه خود شاهدی از تأثیر علوم هندی بر علوم زمان ساسانیان است (همو، ۱۴۷). در زمان خسرو انوشیروان نیز ترجمه کتاب‌های خارجی به زبان پهلوی ادامه یافت. از جمله مهم‌ترین متون هندی که در این دوران ترجمه شد کتاب چَرکه (*Caraka*)، پزشک مشهور هندی، بود که ابن ندیم از آن با نام سیرک (نیز: جرک، سرک) و یعقوبی با نام شَرک یاد می‌کنند (تفضلی، ۱۳۸۳: ۳۲۰؛ رضائی باغبیدی، ۱۳۹۲: ۹). ایران در دوران حکومت اسلامی نیز در زمینه طب و دیگر علوم روابطی با فرهنگ هندی داشت و در قرون نخستین اسلامی آثار زیادی در زمینه پزشکی به عربی ترجمه شد، اما از آنجا که موضوع

این یادداشت بررسی طب هندی در سرزمین ختن است، بحث در خصوص طب اسلامی در این گفتار نمی‌گنجد.

۲. خُتن و زبان ختنی

سرزمین ختن در منطقه شین‌جیانگ، در شش مایلی جنوب بیابان تَکَلَمَکَن (Taklamakan)، قرار دارد و کمی بیش از ۳۶۳۳ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد. ختن در زبان چینی *Ho-t'ien* نامیده می‌شود، و یکی از مراکز مهم کشاورزی و صنعتی در کناره جنوبی حوضه رودخانه تاریم به شمار می‌آید (Emmerick, 1992a: 1). امروزه زبان مردم ختن یکی از گونه‌های ترکی است، اما کشفیات باستان‌شناسی و مطالعات انسان‌شناسی محقق کرده که پیش از رسوخ و تسلط تدریجی ترک‌ها بر این منطقه، اقوامی از نژاد هندواروپایی ساکن در این ناحیه بوده‌اند. در منابع چینی از مردمانی که در غرب و جنوب حوضه تاریم ساکن بوده‌اند با نام *sai* (صورت کهن تر *sak*) نام برده شده که دانشمندان این نام را با واژه *سکا* یکی می‌دانند. پیش از فتح این سرزمین به دست مسلمانان، مردمان این سرزمین پیرو دین بودا بودند و ختن یکی از مهم‌ترین و شکوفاترین مراکز بودایی در آسیای مرکزی بود. آثار به‌جامانده از ختنی نیز گویای همین امر است. بیشتر این متون متعلق به فرقه مَهایانه (*Mahāyāna*) است. تاریخ دقیق نفوذ عقاید بودایی در ختن مشخص نیست، اما احتمالاً مردم این سرزمین در اوایل سده نخست میلادی به دین بودا گرویده‌اند (Zhang, 1996: 283-284). با وجود آن‌که دین مردم ختن بودایی بود، در زبان آنان واژه‌هایی به کار می‌رفت که دال بر اعتقادات قدیم ایرانی است، هرچند برخی از این واژه‌ها معانی جدیدی یافته‌اند. واژه ختنی *urmaysdān* «خورشید» بازمانده *ahura-mazdā*، واژه ختنی *gyasta*، *jasta* «ستوده» قابل مقایسه با اوستایی *yazata* است (Bailey, 1970: 70). حتی گاه در برخی از منابع چینی در منطقه ترفان اصطلاح *Ho-t'ien* به معنی «هرمزد» تعبیر شده است (Zhang, 1996: 297). زبان ختنی یکی از گویش‌های سکایی است و سکایی از جمله زبان‌های ایرانی میانه شرقی. به طور دقیق نمی‌توان گفت که این زبان از چه زمانی در سرزمین ختن رواج یافته، اما به احتمال زیاد از سده سوم میلادی زبانی رایج در ختن بوده است (Emmerick, 1992a: 337). درباره زمان منسوخ شدن این زبان نیز به قطعیت چیزی نمی‌توان گفت، جز این‌که احتمالاً مقارن با فتح این سرزمین به دست مسلمانان در سده پنجم هجری بوده است (Ibid, 411). در روستایی در حوالی کاشغر، در

سده پنجم هجری، به زبانی که از جمله زبان‌های ایرانی بوده صحبت می‌شده. کاشغری در دیوان لغات‌الترک آن را کنچکی (*kančaki*) نامیده و در تبتی *Ga-hjag* (= *Kančak**) نام کاشغر بوده است. از جمله واژه‌های مشابه در کاشغری و ختنی به این موارد می‌توان اشاره کرد: *lyoŋdza* ('alyohjah', 'layoŋdza) در کاشغری برابر با *alysāmgāyā* «بانو» در ختنی، و *kanbā* «کنب، کتان» برابر با ختنی *kumbā* (Bailey, 1958: 131; 1982: 3-4). متون ختنی عمدتاً در بقایای دیرها و عبادتگاه‌های بودایی در سرزمین ختن و غارهای هزاربدا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی به دست باستان‌شناسان غربی و ژاپنی کشف شده‌اند و هم‌اکنون در موزه‌های پاریس، لندن، استکهلم، برلین، کیوتو و ... نگهداری می‌شوند. این متون، بجز چند چوب‌نوشته، یک سفال‌نوشته، به خط براهمی و بر روی کاغذهای پوتی (*pothi*) یا بر طومارهای چینی نوشته شده‌اند. این مجموعه متون متعلق‌اند به سده پنجم تا دهم میلادی. به طور کلی، این متون را از نظر زبانی می‌توان به دو گروه قدیم و متأخر و از لحاظ سبک و شیوه به دو گروه ادبی و غیرادبی تقسیم کرد. آغاز متون ادبی احتمالاً مقارن با نخستین آثار درباره دین بودایی بوده است. بخش عمده متون ادبی، که در واقع باید آنها را متون دینی نامید، آثار بودایی هستند که از سنسکریت به ختنی برگردانده شده‌اند. آثار غیردینی طیف وسیعی از اشعار غنایی، مکاتبه، مطایبه، مدیحه، جغرافیا، پزشکی و چندین متن دوزبانه را شامل می‌شود (Emmerick, 1992a; Maggi, 2009).

۳. طب آیوروده در متون ختنی

همه متون پزشکی‌ای که به زبان ختنی به جا مانده متأثر از طب آیوروده هستند. به استثنای دو متن مفصل با نام‌های سیده‌ساره (*Siddhasāra*) و جیوکه‌پوستکه (*Jīvaka-pustaka*)، سایر متون پزشکی در واقع قطعات کوتاهی، اغلب فاقد هرگونه مقدمه یا مؤخره، هستند (Emmerick, 1992a: 45). مفصل‌ترین این خرده‌متن‌ها قطعه‌ای است با نام P 2893 که بیلی در جلد سوم متون ختنی حرف‌نوشت آن را آورده است (Bailey, 1969/3: 82-93). بعدها ماجی، در مقاله‌ای که به مقایسه این قطعه با قطعه IOL Khot S9 پرداخته، بخش‌هایی از این قطعه را که درباره ضما و مرهم است، ترجمه کرده است (Maggi, 2009a: 77-85). از نمونه‌های دیگر این خرده‌متن‌ها می‌توان به فصلی از کتاب سوورنه‌بهاسوتمه‌سوتره (*Suvarṇabhāṣottamasūtra*) با نام «درمانگر بیماری‌ها» (ختنی *āchānu nāṣemākā*) اشاره کرد که در آن صحبت از

درمان پسر بازرگانی، که به انواع بیماری‌ها مبتلا شده، به میان آمده است (Skjærvø 2004: 1/286-301). در متون ختنی واژه سنسکریت *āyurveda*- به صورت لفظی ترجمه شده و برای آن این معادل‌ها به کار رفته است: *jsīnā- vajsā'matā* «فهم زندگی» و *jsīnā- bvāścīnaa* «دانش زندگی» (Bailey, 1979: 115). در این نوشته تنها به دو کتاب سیده‌ساره و جیوکه‌پوستکه، که هر دو نسبتاً مفصل و دارای تحریرهای دیگر به سنسکریت و تبتی و ... هستند، می‌پردازیم.

۱.۳. سیده‌ساره

واژه سنسکریت *siddhasāra* مرکب از دو جزء *siddha* «کامل، تکمیل‌شده» و *sāra* «گزیده، چکیده» و روی هم به معنی «گزیده کامل» است (Monier-William, 1899: 1208, 1215). همان‌گونه که معنای تحت‌اللفظی عنوان این کتاب نشان می‌دهد، در این اثر به طور خلاصه و مفید به عمده‌ترین بیماری‌هایی که مردمان بدانها دچار می‌شوند پرداخته شده است. این کتاب ظاهراً نه تنها در هند و نپال که در آسیای مرکزی نیز مدت مدیدی به عنوان یک منبع جامع و کامل درباره پزشکی شناخته می‌شده و کاربرد داشته است. گواه این امر ترجمه این اثر از سنسکریت به زبان‌های دیگری چون تبتی، ختنی و ترکی آیفوری است، و حتی اشاراتی بدین اثر را می‌توان به زبان عربی در آثار زکریای رازی نیز مشاهده کرد (Emmerick, 1983: 19).

متن منقح و انتقادی اصل سنسکریت این کتاب را امریک در سال ۱۹۸۰ چاپ کرده است (Emmerick, 1980)، اما هیچ ترجمه‌ای از این متن منقح تاکنون به طبع نرسیده است. در سال ۱۹۸۲، امریک بار دیگر به این متن پرداخت و این بار متنی انتقادی از تحریر تبتی همراه با ترجمه انگلیسی به چاپ رساند (Emmerick, 1982). متأسفانه تاکنون هیچ ترجمه کاملی از دو تحریر ختنی و آیفوری به طبع و نشر نرسیده است، اما ظاهراً امریک تحریر ختنی این کتاب را پیشتر ترجمه کرده بوده و در صد تهیه متنی ویراسته از این تحریر همراه با یادداشت و همچنین ویرایش و ترجمه تحریر او یغوری نیز بوده است، اما به سبب درگذشت نابهنگامش، هیچ‌کدام منتشر نشده است (cf. Emmerick, 1980; 1983). ترجمه تبتی این متن احتمالاً در اوایل سده نهم میلادی به رشته تحریر درآمده و ترجمه ختنی در سده نهم یا به احتمال بیشتر در سده دهم میلادی بر پایه تحریر تبتی و گاه با نیم‌نگاهی به اصل سنسکریت نوشته شده است. در روایت تبتی از سه مترجم با نام‌های آدیتیه‌ورمن (Ādityavarman)، چندره

(Candra) و جینه‌میترا (Jinamitra) نام برده شده، اما در تحریر ختنی از هیچ مترجمی نامی برده نشده است (Emmerick, 1975-1976: 215).

همان‌گونه که در تحریر سنسکریت این کتاب آمده: *samhitā siddasāreyam raviguptena vakṣyate* «این سیده‌ساره سنهیتا توسط رویگوپته گفته خواهد شد» (Emmerick, 1980: 17)، مؤلف این متن پزشکی با نام رویگوپته (Ravigupta) «خورشیدپائیده، تحت حفاظت خورشید» بوده است. از نویسنده این کتاب اطلاعات چندانی در دست نیست. بنا بر تصریح خود این اثر، رویگوپته پسر دامپزشکی به نام دورگه‌گوپته (Durgagupta) از ناحیه غرب بوده و این سنهیتا (= رساله پزشکی) را به سفارش برادر بزرگترش، دیوگوپته (Devagupta)، که مبتلا به بیماری زردی (*pāṇḍu* *nāga*) شده بوده، در ۳۱ نوشته است. کتاب به زعم وی در برگیرنده درمان همه بیماری‌ها است (Emmerick, 1980: 148; 1982: 475). امریک (Emmerick, 1975-1976: 221)، با این فرض که چون در سیده‌ساره شاهد هیچ اقتباسی از سوشروتیه‌سنهیتا اثر واگبهته (Vāgbhata)، در حدود ۶۰۰ میلادی، نیستیم، این دو اثر را تقریباً همزمان می‌داند و بدین ترتیب زمان نگارش سیده‌ساره را به طور تقریبی ۶۵۰ میلادی تعیین می‌کند، اما وویاستیک بر پایه مؤخره نسخه جدیدی که اخیراً پیدا شده، و در آن نام رویگوپته و واگبهته در کنار هم ذکر شده، آنها را از یک خاندان می‌داند و رویگوپته را نه تنها معاصر واگبهته نمی‌داند، بلکه وی را نیای واگبهته و بدین ترتیب مقدم‌تر از وی می‌شمارد (Wujastyk, 1985: 77).

چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، فقط بخش‌هایی از تحریر ختنی به جا مانده است. نسخه‌ای که با عنوان Ch. ii 002 شناخته می‌شود در برگیرنده ۶۵ برگ است که ۶۴ برگ آن به ترجمه ختنی سیده‌ساره اختصاص دارد (Bailey, 1938: 11). حرف‌نوشت ختنی این نسخه همراه با روایت تبتی آن را بیلی (Bailey, 1969: 2-134) در مجموعه متون ختنی به چاپ رسانده است. در مجموع، از ۳۱ فصل سیده‌ساره تنها از ۱۵ فصل آن ترجمه ختنی به جا مانده و البته برخی از این فصل‌ها نیز به طور ناقص در اختیار ما هستند. در این‌جا به این پانزده فصل با توجه به ترجمه تبتی سیده‌ساره (Emmerick, 1982)، می‌پردازیم. لازم به ذکر است که تحریر ختنی دارای یک مقدمه منظوم نیز هست که در متن سنسکریت و تحریر تبتی موجود نیست.

در مقدمه، نخست مترجم به ستایش روی آورده و خدایان را به یاری خواننده تا بتواند ترجمه‌ای درست از این رساله پزشکی ارائه دهد و معنای درست آن را آشکار

نماید. سپس به شرح ویژگی‌های نیک این رساله پرداخته و آن را در مقام سر و رأس دیگر رساله‌های پزشکی نهاده و آن را زندگی‌بخش (*jsīñi hurākā*)، نابودگر دردها (*anāhām*) و بزرگ اقیانوس رحم و شفقت برای بی‌پناهان (*dakhām jinikā*) و بزرگ اقیانوس رحمت و شفقت برای بی‌پناهان (*anāhām*) دانسته است. در ادامه چنین آمده که چون این رساله به زبان هندی بوده، مطالعه و استفاده از آن، سابق بر این، تنها در حضور آموزگاران هندی میسر بوده و به همین دلیل استفاده‌کنندگان از آن همواره در فهم و شرح آن با دشواری روبه‌رو بوده‌اند و اغلب اوقات در فهم دلیل بیماری‌ها و شناخت درست از داروها ناتوان می‌مانده‌اند و همین مسئله باعث مرگ و میر بسیار می‌شده است. این موضوع باعث کنار گذاشتن این کتاب ارزشمند شده تا این که ترجمه تبتی آن به دربار راه یافته و به دستور پادشاه بزرگ برای درمان بیماری‌ها به ختنی ترجمه شده است (درباره این مقدمه و شرح و یادداشت‌های آن رک. Bailey, 1962; Emmerick, 1983).

فصل نخست این رساله با نام تَنتره (*tantra*: مبانی؛ آموزه) به مبانی و اصول اولیه طب آیوروده اختصاص دارد و در آغاز نام هشت شاخه طب آیوروده را یک‌به‌یک آورده که بنا بر این متن از این قرارند:^(۱) چشم‌پزشکی (سنسکریت: *śālakya*، ختنی: *tcimañām hīya krra*)، درمان تن (سنسکریت: *kāya-cikitsita*، ختنی: *ttaraṃdarā hīya krra*)، دور کردن دیوان (سنسکریت: *bhūta-cikitsita*، ختنی: *sparsā' pveraṃa*)، خارج کردن اجسام خارجی از بدن (سنسکریت: *śalya*، ختنی: *śalyāharttā*)، محافظت از زهر (سنسکریت: *agada-rakṣa*، ختنی: *ba' īsāma*)، حفظ زندگی (سنسکریت: *vayo-rakṣa*، ختنی: *jsīñi huṣṇāñāma*) «افزایش زندگی»، حفظ کودک (سنسکریت: *bāla-rakṣa*، ختنی: *vitkavīja*) «دانش [درباره] کودک»، نطفه‌افزایی (سنسکریت: *bīja-vivardhana*، ختنی: *śūkrā huṣṇāñāma*). در ادامه این فصل بیماری‌های انسان به چهار دسته تقسیم شده است: ۱. بیماری‌های جسمی (سنسکریت: *śārīra ... vyādhayo*، ختنی: *ttaraṃdaraja āchā*)، ۲. بیماری‌های ذهنی (سنسکریت: *mānasa ... vyādhayo*، ختنی: *ayasmvaja āchā*)، ۳. بیماری‌های ثانوی (سنسکریت: *āgantū ... vyādhayo*، ختنی: *āvaṃdva āchā*)، ۴. بیماری‌های مادرزادی (سنسکریت: *sahajā vyādhayo*، ختنی: *hamtsa-ysātām*). سپس به شرح تأثیر هر یک از بخش‌های روز، ماه و سال، و پدیده‌های طبیعی چون خورشید، باد، باران و ... بر اخلاط سه‌گانه و اختلال در کارکرد آنها و دیگر مبانی و

کلیات درباره بیماری‌ها ذکر شده است (برای ترجمه تحریر تبتی، رک. -15: Emmerick, 1983: 31).

فصل دوم این رساله به گیاهان دارویی اختصاص دارد که به صورت گروهی معرفی شده‌اند. نام این فصل در متن سنسکریت *dravya-gaṇa* «گروه-داروها» و معادل ختنی آن *arvām u gām' hamāle* «داروها و همراه با گروه‌ها» است. در این فصل نام بسیاری از گیاهان دارویی که بومی هندوستان بوده‌اند آورده شده است. بسیاری از این گیاهان، نه در تبت و نه در ختن، شناخته شده نبوده‌اند. بنابراین، در تحریر تبتی، و به‌ویژه ختنی، صورت سنسکریت نام آن گیاهان با اندکی تحول ذکر شده و در برخی موارد نام دیگر آن گیاه در هندی که مرسوم‌تر بوده ذکر شده است؛ مثلاً به جای نام *sthira* «گونه‌ای شبدر» در متن ختنی از واژه *sālaparnā* که همان *sālaparnī* در سنسکریت و به همان معنی «شبدر» است، استفاده شده است. در این فصل گیاهان دارویی با توجه به خاصیتشان به صورت گروهی ذکر شده‌اند و در پایان هر گروه بیماری‌هایی که با گیاهان ذکر شده درمان می‌شوند آورده شده است. گاه به هر کدام از این گروه‌ها نامی نیز داده شده است. مثلاً نام پنج‌موله (*pañca-mūla*: پنج ریشه) به گروهی که مرکب از پنج ریشه گیاهی است داده شده است. در پایان این فصل به این مطلب نیز اشاره شده که پزشک حاذق باید این گروه‌های گیاهی را، با توجه به خاصیتشان، با روغن کنجد یا کره حیوانی بپزد و این که چه اندازه روغن باید افزود و چه مقدار از آن استخراج کرد. میزان پخت هر روغن را باید با توجه به نحوه استفاده از آن، نوشیدن، مالیدن، اماله کردن، تعیین کرد (برای ترجمه تحریر تبتی، رک. -47-32: Ibid).

فصل سوم این رساله به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها اختصاص دارد. عنوانی که در تحریرهای سنسکریت و ختنی برای این فصل آمده به ترتیب از این قرار است: *anna-pāna-vidhi* «دستورالعمل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها»، *hvaḍām khaṣṭām hīye* «کاربرد خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها». در بخش خوردنی‌ها، نخست انواع غلات، مانند برنج، جو و گندم و ... با ذکر خواص و ویژگی‌های درمانی‌شان ذکر شده است. سپس به همین ترتیب به انواع گوشت‌ها، گیاهان و صیفی‌جات، میوه‌ها، ادویه‌ها و نمک‌ها پرداخته شده است. در بخش نوشیدنی‌ها، در ابتدا انواع آب‌ها، آب باران، چشمه، چاه و ... سپس انواع شیر، شیر گاو، بز، گوسفند و ... و مشتقات آنها با ذکر خواص و ویژگی‌های درمانی ذکر شده است. در اینجا شیوه معرفی دو مورد از این اقلام را به ختنی می‌آوریم: *cu krrimṅā hīya guṣṭa ṣi' tcārba u garkha u grāma ṣte bāta jimdā*

vriṣanīya «چنان که گوشت خروس چرب و سنگین و گرم است. باد را نابود می کند و نیروی مردی به وجود می آورد»؛ *cu bārā hiya utca ṣi' raysga dūṣe jīmḍā* «چنان که آب باران سبک [است]، اخلاط را نابود می کند، برای قلب نیک است و نابودکننده زهر [است]».

فصل ۴ تا ۲۵ این رساله به انواع بیماری ها اختصاص دارد و هر فصل با نام یک بیماری، که موضوع اصلی آن فصل است، نام گذاری شده و در کنار آن به سایر بیماری های کمابیش مرتبط با آن و طریقه درمان آنها پرداخته شده است. ترجمه ختنی فصل چهار تا دوازده، شانزده و هفده موجود نیست و سایر فصل ها نیز به طور ناقص به جا مانده اند. از فصل ۱۳ تنها یک بخش به جا مانده است. این فصل به بیماری بواسیر (سنسکریت: *arśas*، ختنی: *arja*) و زخم مقعد (سنسکریت: *bhḡandara*، ختنی: *baḡandala*) اختصاص دارد. در فصل ۱۴ به بیماری زردی (سنسکریت: *pāṇḍu-roga*، ختنی: *ysīḍai āchai*) پرداخته شده است. در فصل ۱۵ از سکسکه (سنسکریت: *hikkā*، ختنی: *hika*) و اختلال در تنفس (سنسکریت: *śvāsa*، ختنی: *uysnai*) سخن به میان آمده است. فصل ۱۸ درباره حبس البول و بیماری های ادراری (سنسکریت: *mūtra-kṛcchra*، ختنی: *mūtre kicha*) است. فصل ۱۹ به یبوست و بیماری اختلال در کارکرد روده و اجابت مزاج (سنسکریت: *udāvarta*، ختنی: *udāvartta*) اختصاص دارد. در فصل ۲۰ از بیماری جنون (سنسکریت: *unmāda*، ختنی: *ādimāda*) و صرع (سنسکریت: *apasmāra*، ختنی: *avasmāra*) سخن به میان آمده است. فصل ۲۱ درباره روماتیسم و بیماری هایی است که در اثر اختلال در کارکرد خلط باد (سنسکریت: *vāta-vyādhi*، ختنی: *bāti-āchā*) به وجود می آیند. در فصل ۲۲ سخن از بیماری های مرتبط با می و مستی (سنسکریت: *madātyaya*، ختنی: *mau*) است. فصل ۲۳ به بیماری باد سرخ (سنسکریت: *visarpa*، ختنی: *visarpa*) اختصاص دارد. فصل ۲۴ مربوط به انواع تورم ها (سنسکریت: *śopha*، ختنی: *haśa āchai*) است. فصل ۲۵ درباره زخم ها (سنسکریت: *vraṇa*، ختنی: *kaṃma*) و درمان آنهاست. فصل ۲۶ درباره چشم پزشکی و داروها و بیماری های چشم (سنسکریت: *śālākya*، ختنی: *tcimṇā bisām arvām*) است. در این فصل، همچنین به بیماری های گوش، دهان، گلو و دندان نیز پرداخته شده است.

۲.۳. جیوکه پوستکه

متن مهم دیگری که در آن به پزشکی پرداخته شده دستنویس Ch. ii 003 است که شامل ۷۱ برگ است، و به سبب نام جیوکه، پزشک مخصوص بودا، بیلی (Bailey, 1983: 1233) آن را جیوکه پوستکه «کتاب جیوکه» نامیده است. این دست‌نویس دارای دو تحریر سنسکریت و ختنی است. اما از آنجاکه متن سنسکریت نیز به خط براهمی و بسیار مغشوش نگاشته شده، عملاً تا یک دهه پیش قابل استفاده نبود (برای صورت بازسازی‌شده متن سنسکریت و ترجمه آن، به زبان چینی، رک. Chan, 2005). متن سنسکریت منظوم و در قالب عروضی شلوکه^(۷) سروده شده، اما ترجمه ختنی آن به نثر است. تاریخ دقیق نگارش تحریر ختنی به طور دقیق روشن نیست و تنها با توجه به آن‌که زبان ختنی به کاررفته در این نسخه ختنی متأخر است و سنت نگارش به زبان ختنی از سده یازدهم میلادی منسوخ شده، زمان نگارش آن را می‌توان به طور تقریبی اواخر سده دهم میلادی دانست (Emmerick, 1992b: 60).

این متن فاقد مقدمه و مؤخره است و دو نوع شماره‌گذاری متفاوت بر روی برگ‌های دست‌نویس آن به کار رفته است: (۱) در روی هر برگ، در حاشیه سمت چپ، از ۴۴ تا ۱۱۶، (۲) بر همان سمت رویه، درون دایره‌هایی توخالی، از ۱ تا ۷۱ شماره‌گذاری شده است. شروع شدن شماره‌های این نسخه از ۴۴ نشانگر این است که نسخه موجود رونوشتی از نسخه‌ای دیگر بوده که از میان رفته است. موضوع برگ‌های ۱ تا ۴۳ مشخص نیست، اما با توجه به تنمّه متن می‌توان آن را نیز دارای محتوای پزشکی دانست. به هر روی، با توجه به این که برگ شماره ۴۴ با کلمه *siddham* آغاز می‌شود و نیز شماره‌گذاری درون دایره‌ها، که از ۱ شروع می‌شود، معلوم می‌شود که برگ‌های از-میان‌رفته را با هر موضوعی که در برداشته‌اند باید متنی مجزا به حساب آورد. مؤخره‌ای از این دست‌نویس به جا نمانده و دستورالعملی که در برگه شماره ۱۱۶ آمده ناقص است. بنابراین، در مورد این‌که این نسخه چند برگ دیگر را شامل می‌شده نیز نمی‌توان اظهار نظر کرد (Hoernle, 1917: 415). این متن را باید در واقع جنگ یا گلچینی از دستورالعمل‌های دارویی دانست که در قالب یک مجموعه گردآوری شده است.

نام جیوکه تنها در یکی از این دستورالعمل‌ها ذکر شده است. بنابراین، این متن را نمی‌توان نگارش شخص جیوکه دانست. اما از آنجاکه شخصیت جیوکه در سنت پزشکی بودایی بسیار نامی است، در این جا، به طور مختصر، به این شخصیت نیز می‌پردازیم. تمام آنچه درباره جیوکه و زندگانی وی می‌دانیم محدود به اشاره‌هایی در متون بودایی

به زبان‌های پالی، سنسکریت تبتی و چینی می‌شود که از میان این‌ها روایت پالی مهوگه (*mahavagga*) کهن‌ترین و معتبرترین روایت شناخته می‌شود. بنا بر این روایت، جیوکه در شهر راجگهه (*Rājagaha*) زاده شد، اما در همان نوزادی در خرابه‌ای رها شد و برحسب اتفاق شاهزاده آبیهه (*Abhaya*) او را یافت و مسئولیت پرورش او را به عهده گرفت (بنا بر نظر عده‌ای کنیه جیوکه یعنی کومارَبهچّه (*komārabhacca*))، یعنی «پرورده شاهزاده»، نیز مؤید همین داستان است. وی بعدها در شهر تکسیلا نزد پزشکی مشهور به فراگیری دانش پزشکی پرداخت و پس از طی یک دوره هفت‌ساله به شهر خویش بازگشت و پزشک مخصوص شاه بیمبِساره (*Bimbisāra*) و بودا شد، و بدین سبب نام وی همواره در متون بودایی در مقام پزشک مخصوص بودا و با عنوان «شاه بزرگ پزشکان» برده شده است.^(۳) به غیر از این اطلاعات و داستان‌هایی کوتاه درباره درمان چندین بیمار، عملاً هیچ چیز دیگر از زندگی جیوکه در دست نیست و تنها نکته‌ای که بر سر آن اتفاق نظر کلی وجود دارد حادث بودن وی در پزشکی و احراز مقام پزشک مخصوص بودا است (Chan and Chen, 2002: 88, 91).

این متن را به لحاظ شکل و قالب ظاهری، برپایه استفاده از واژه *siddham* در آغاز هر گفتار (44r1, 47v4, 88v1, 105r2)، می‌توان به چهار پاره تقسیم کرد و از لحاظ محتوایی نیز آن را به چهار بخش تقسیم کرده‌اند. بخش نخست، شامل بندهای [۲-۳]، به یک *agada*- «پادزهر» به نام *svastika* اختصاص دارد؛ بخش دوم، از بند [۴] تا [۴۶]، به داروهایی که با *ghṛta*- «روغن حیوانی، کره»، ختنی: *gvīḥa' rūna*، ساخته می‌شده اختصاص دارد؛ بخش سوم، از بند [۴۷] تا [۷۳]، مربوط به داروهایی با عنصر اصلی *taila*- «روغن کنجد»، ختنی: *kūṃjsavīnaa- rūna*، است؛ بخش چهارم، از بند [۷۴] تا [۹۳] که ناتمام مانده، به داروهایی که به صورت *cūrṇa*- «گرد»، ختنی: *cāṃṇa*، استفاده می‌شده‌اند می‌پردازد (Emmerick, 1994: 29; Maggi, 2008b). اگر بخواهیم به صورت ریزتر بندهای این متن را از لحاظ محتوایی تقسیم کنیم، باید به این موارد نیز اشاره کرد: بندهای [۶۲]، [۶۴] و [۶۵] به گروه *ghṛta*- و *sarpis*- «روغن حیوانی یا کره مذاب» تعلق دارند و بندهای [۶۸] تا [۷۳] نیز دارای عنصر اصلی *taila- eraṇḍa*- «روغن کرچک»، ختنی: *īraṃḍīnaa- rūna*، هستند. بنابراین، نسخه‌های دارویی جیوکه پوستکه را به لحاظ محتوایی می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد: پادزهر، روغن حیوانی، روغن کنجد، روغن کرچک و گرد.

در جیوکه‌پوستکه مجموعاً از ۹۱ دستورالعمل دارویی نام برده شده که تا کنون موارد مشابه برخی از آنها در دیگر متون پزشکی هندی شناخته شده است. نخستین بار هورنله (1917: 417)، که اشراف کاملی بر متون پزشکی هندی داشت، بند [۱۸] جیوکه‌پوستکه را مشابه دستورالعملی دانست که در بخش بیماری سرفه در چَرکه‌سنهیتا آمده است. در پی انتشار چاپ نخست متون ختنی، فیلوزا (1946-1947: 135) در نقد و بررسی متن جیوکه‌پوستکه، به این نکته اشاره کرد که می‌توان برای دستورالعمل‌های دارویی این متن موارد مشابهی در دیگر متون هندی بازجست و در این خصوص از مشابهت پنج دستورالعمل به‌کاررفته در این متن با چَرکه‌سنهیتا سخن به میان آورد. سرانجام، امریک (1979: 236) برای ۲۹ دستورالعمل دارویی به‌کاررفته در این متن موفق به بازشناسی موارد مشابه در دیگر متون پزشکی هندی نظیر چَرکه‌سنهیتا، سوشرونه‌سنهیتا، سیته‌ساره و ... شد. چن (2005) نیز در بازسازی متن سنسکریت جیوکه‌پوستکه این موارد مشابه را ذکر کرده و در برخی از موارد عین متن سنسکریت این منابع را آورده است. بی‌گمان این دستورالعمل‌های دارویی، که همه دارای اصلی هندی هستند، در متون پزشکی اقوام دیگر، که به نوعی تحت تأثیر فرهنگ هندی بوده‌اند، نیز قابل جستجو و بازیابی است، چنانکه در قطعه‌ای پزشکی به زبان تخاری ب، که در همان منطقه آسیای مرکزی رایج بوده، شاهد نام بردن از روغنی با نام *mahāvaidyehik* هستیم که در واقع همان دستورالعمل روغن مه‌اوایدیهه (*mahā-vaideha*) در بند [۱۱] جیوکه‌پوستکه است (Maue, 1990: 159-165).

بر اساس دستورالعمل‌ها و شیوه‌های درمانی ذکرشده در جیوکه‌پوستکه این متن را می‌توان از زمره متون مکتب آتریه (Ātreya-) در طب آیوروده دانست که در آن درمان بیماری‌ها صرفاً با گیاهان و عناصر دارویی انجام می‌گیرد. در این متن هیچ دستورالعملی از مکتب دهنونتری، که به جراحان اختصاص داشته، دیده نمی‌شود. همسان بودن برخی از دستورالعمل‌های این متن با چَرکه‌سنهیتا، که مهم‌ترین متن مکتب آتریه است، و همچنین نام بردن از شخص آتریه و بهرَدواجه (Bharadvāja-)، که دو پزشک شاخص مکتب آتریه هستند، نیز تعلق این متن را به مکتب فوق قطعی می‌سازد. اغلب بیماری‌هایی که در این متن ذکر شده به شاخه کایه‌چیکیستا مرتبط است که در آن عمدتاً به بیماری‌هایی که به اصطلاح امروزی می‌توان آنها را بیماری‌های داخلی نامید پرداخته می‌شود. اصلی‌ترین دلیل این دسته از بیماری‌ها آشفتگی و اختلال در کارکرد یکی از اخلاط شمرده می‌شود که از این نوع می‌توان به بیماری‌های ادراری، بیماری‌های

پوستی، غده‌های شکمی، صرع، اسهال، بیماری‌های قلبی، دردهایی که در هر یک از اندام‌ها ظاهر می‌شوند اشاره کرد. از جمله دیگر شاخه‌های طب آیوروده که در این متن بدانها نیز پرداخته شده می‌توان از رساینه‌ها یا داروهایی که باعث بازیافتن جوانی، شادابی و نیرو می‌شود، کاومارهبهریتی‌ها، که عمدتاً به درمان بیماری و پرورش کودکان حتی پیش از زایش مربوط می‌شود، آگده‌تنتره، یا همان آموزه پادزهر که به درمان مسمومین می‌پردازد، بهوته‌ویدیا، یا بیماری‌های ناشی از موجودات مافوق طبیعی، واجیکرنه‌تنتره، یا همان داروهایی که باعث افزایش میل جنسی می‌شود، اشاره کرد.

بیشتر دستورالعمل‌های دارویی به کاررفته در حیوکه‌پوستکه دارای نام و عنوانی ویژه هستند. در نام‌گذاری این دستورالعمل‌ها از چندین شیوه متفاوت استفاده شده است: (۱) استفاده از نام نخستین و مهم‌ترین عنصر دارویی در یک دستورالعمل: *agarvādi* «گرد عود»، دستورالعمل ۷۵، *asvāgandhādi* «روغن کاکنج» دستورالعمل ۴؛ ۲) بر پایه تعداد گیاهان دارویی به کاررفته در یک دستورالعمل: *daśāṅga* «ده بخشی/عضوی» در دستورالعمل شماره ۸؛ ۳) بر اساس نام اصلی‌ترین گیاه و مقدار به کاررفته از آن: *dāḍimāṣṭaka* «نار هشت» از *dāḍima* «نار» و *aṣṭaka* «هشت‌گانه»، دستورالعمل ۸۶؛ ۴) گاه از ترکیب یک عدد و یک واحد وزن در نام‌گذاری استفاده شده است: *ṣaṭ-palaka* «شش پَلکه» از *ṣaṭ* «شش» و *palaka* «واحد وزن»، دستورالعمل ۳۹؛ ۵) بر پایه ویژگی کیفی داروها: *akṣatāḍa* «نکوبیده»، دستورالعمل ۴۲؛ ۶) بر پایه شیوه و طرز استفاده دارو: *abhyañjanaka* «مالیدنی»، دستورالعمل ۵۳؛ ۷) بر پایه مهم‌ترین کاربردی که آن دستورالعمل برای برطرف کردن بیماری‌های یک اندام دارد: *netropalabdha* «چشم‌گرفتگی» از *netra* «چشم» و *upalabdha* «گرفته»، روی هم یعنی «بازیافتن چشم»، دستورالعمل ۳۲؛ ۸) گاه نیز شاهد نام‌گذاری غلواُمیز، که نشانه قدرت و تأثیر آن دارو است، هستیم: *sūryodaya* «طلوع خورشید» از *sūrya* «خورشید» و *udaya* «برآمدن، طلوع»، دستورالعمل ۴۷.

ترتیب کلی‌ای که در ساخت و استفاده از دستورالعمل‌های این متن به کار رفته چنین است: نخست مواد لازم برای تهیه هر دارو، اعم از گیاهی، حیوانی و معدنی، و میزان لازم از هرکدام آنها ذکر می‌شود. سپس به شیوه آماده‌سازی دارو اشاره می‌شود. در این بخش از شیوه‌هایی چون کوبیدن، پختن، عصاره‌گیری، و تخمیر نام برده می‌شود. گاه در بخش آماده‌سازی به جزئیات دیگری، مانند این که پس از کوبیدن داروها از بخش

نرم و درشت آن چه چیزهایی باید ساخت، نیز پرداخته شده است. گاه در این بخش به کاربردن ورد و افسون نیز تجویز شده است که در واقع همان «مانتره پزشکی» ای است که در طب ایران باستان نیز دارای کاربرد بوده و به «مانتره پزشکی» معروف است. سپس بیماری‌هایی که با به کار بردن این دارو از میان می‌روند یک‌به‌یک نام برده می‌شوند و این‌که برای دفع هرکدام از این بیماری‌ها چگونه باید از این دارو استفاده کرد. از جمله شیوه‌های به کار بردن داروهای این متن می‌توان به این موارد اشاره کرد: خوردن، نوشیدن، تدخین، مالش، اماله، ریختن قطره در دهان، گوش و بینی. در پایان هر دستورالعمل نیز گاه نام پزشک یا حکیمی که آن را شرح داده و نامی که آن دستورالعمل با آن شناخته می‌شود آمده است. همان‌طور که گفته شد، در این دست‌نویس از ۹۱ دستورالعمل دارویی سخن به میان آمده که در این‌جا، به طور مختصر، یکی از آنها و ویژگی‌های ساختاریش را بررسی قرار می‌کنیم. نخستین دستورالعمل این متن با نام سوستیکه (سنسکریت: svastika «چلیپا؛ هر شیء خوش‌یمن»، ختنی: svastaka) نام‌گذاری شده است. کاربرد اصلی این دستورالعمل در دفع سموم است و آن را بودا به جیوکه آموزش می‌دهد. پس از ذکر نام گیاهان و اندازه لازم از هر یک و ذکر ورد یا منتره‌ای که باید در هنگام تهیه آن خواند، ویژگی‌های پزشکی که این دارو را باید تهیه کند و این‌که تهیه آن در زمان غلبه کدام صورت فلکی باید انجام گیرد برشمرده شده است. در هنگام بحث درباره بیماری‌ها، نخست به بیماری‌هایی که منشأ مافوق طبیعی و جادویی دارند اشاره شده و درمان آنها از طریق مالیدن این دارو بر پیشانی ذکر شده است. سپس برای مسمومینی که در معرض سم هلاهل یا زهر حشرات موزی بوده‌اند نوشیدن این دارو تجویز شده و برای درمان افرادی که در اثر زخم سلاح‌های زهرآگین آلوده شده‌اند مالیدن این دارو بر پیشانی و ریختن سه قطره از آن در دهان و بینی آنها تجویز شده است. این دارو برای زنانی که احتمال سقط جنین برای آنها می‌رود نیز مفید دانسته شده است. در پایان این دستورالعمل بودا به عنوان وضع‌کننده آن معرفی شده است (برای ترجمه انگلیسی تحریر ختنی، رک. Konow, 1941؛ برای متن بازسازی‌شده سنسکریت و ترجمه آن رک: Emmerick, 1992; Chen, 2005).

۴. نتیجه

علی‌رغم آنکه متون پزشکی ختنی از زمره متون غیردینی به‌شمار می‌آیند، مانند متون دینی، تأثیر عمیق فرهنگ هندی و آیین بودایی به‌صراحت در آنها دیده می‌شود و در

همه متون پزشکی بازمانده به زبان ختنی می‌توان به‌روشنی نشانی از طب سنتی هندی یا همان آیوروده را مشاهده کرد. البته در متون ختنی گاه شاهد دستورالعمل‌های پزشکی‌ای هستیم که تا کنون مشابه آن در متون طبی سنسکریت دیده نشده، ولی آبشخور این موارد را نیز، بی‌گمان، باید در طب هندی جست. بررسی اجمالی دو کتاب مهم پزشکی ختنی در این نوشته شمه‌ای از سنت پزشکی هندی را در میان یکی از اقوام ایرانی بیان می‌دارد و زمینه را برای بحث‌های آینده به زبان فارسی آماده می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به ذکر است که نام‌هایی که در این رساله آمده گاه با نام‌های مرسوم در دیگر کتب طبی آیوروده اندکی تفاوت دارد، هرچند از لحاظ معنی تفاوتی میان آنها نیست.
۲. śloka قالبی است در شعر هندی که شامل چهار بیت (pāda) هشت‌هجایی می‌شود.
۳. در یک متنی ختنی با نام *Mañjuśrīnairātmyāvatārasūtra* از جیوکه با عنوان *jīvai vijā re* «جیوکه شاه پزشکان» نام برده شده است (Bailey, 1951: 131). در منابع بودایی چینی نیز از او با نام Qipo و لقب *yi wang* «شاه پزشکان» یاد شده است (Salguero, 2009: 183-192).

منابع

- تفضلی، احمد ۱۳۸۳. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- رضائی باغبیدی، حسن ۱۳۷۹. «واژه‌گزینی در عصر ساسانی و تأثیر آن در فارسی دری»، نامه فرهنگستان، س ۴، ش ۳، ۱۴۵-۱۵۸.
- _____ ۱۳۹۲. «هند در شاهنامه فردوسی»، *شاهنامه در شبه‌قاره*، زیر نظر محمدرضا نصیری، ۳-۱۴، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- Bailey, H. W. 1938. *Codices Khotanenses: India Office Library Ch. ii 002, Ch. ii 003, Ch. 00274 Reproduced in Facsimile with an Introduction*, Copenhagen: Levin and Munksgaard.
- _____ 1951. *Khotanese Buddhist Texts*, London: Taylor's Foreign Press.
- _____ 1958. "Languages of the Saka," in B. Spuler (ed.), *Handbuch der Orientalistik, Abt. I, Bd. IV, Iranistik, I, Linguistik*, 131-154, Leiden-Köln: E. J. Brill.
- _____ 1962. "The Preface to the Siddhasāra-Śāstra", *A Locust's Leg, Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, 31-38, London: Percy Lund, Humphries and Co. LTD.
- _____ 1969. *Khotanese Texts III*, Cambridge: Cambridge University Press.
- _____ 1970. "The Ancient Kingdom of Khotan," *Iran* 8, 65-72.

- _____ 1982. *The Culture of the Saka in Ancient Iranian Khotan*, New York: Caravan Books.
- _____ 1983. "Khotanese Saka Literature", *The Cambridge History of Iran*, vol. 3 (2), *The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, ed. E. Yarshater, 1230-1243, Cambridge: Cambridge University Press.
- Chen, M. (陳明) 2005. *Dunhuang chutu hu yu yi dian <<Qipo shu>> yanjiu* (敦煌出土胡語醫典 <<耆婆書>> 研究 = A Study on Sanskrit Text of Jivaka-pustaka from Dunhuang), Hong Kong.
- Chen, T. S. N. and Chen, P. S. Y., 2002. "Jivaka, Physician to the Buddha," *Journal of Medical Biography* 10, 88-91.
- Chopra, A. S., 2003. "Āyurveda," in H. Selin (ed.), *Medicine Across Cultures: History and Practice of Medicine in Non-Western Cultures*, 75-83, Great Britain: Kulwer Academic Publishers.
- Emmerick, R. E. 1975-1976. "Ravigupta's Place in Indian Medical Tradition," *Indologica Taurinensia* III-IV, 209-221.
- _____ 1979. "Contribution to the Study of the *Jīvaka-Pustaka*," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* XLII/2, 235-243.
- _____ 1980. *The Siddhasāra of Ravigupta*, vol. 1: *The Sanskrit Text*, Wiesbaden: Franz Steiner Verlag GMBH.
- _____ 1982. *The Siddhasāra of Ravigupta*, vol. 2: *The Tibetan Version with Facing English Translation*, Wiesbaden: Franz Steiner Verlag GMBH.
- _____ 1983. "Some Remarks on Translation Techniques of the Khotanese," *Sprachen des Buddhismus in Zentralasien: Vorträge des Hamburger Symposions vom 2. Juli bis 5. Juli 1981*, 17-26, Wiesbaden.
- _____ 1992a. *A Guide to the Literature of Khotan*, Second Edition, Tokyo: The International Institute for Buddhist Studies.
- _____ 1992b. "The Savastika Antidote," *Journal of the European Āyurvedic Society* 2, 60-81.
- _____ 1994. "The Mahāsaucaralādi Ghee," in K. Röhrborn and W. Veenker (eds.), *Memoriae Munusculum: Gedenkband für Annemarie V. Gabain*, 29-42, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.
- _____ 2009. "Khotanese and Tumshuqese," in G. Windfuhr (ed.), *The Iranian Languages*, 377-415, London and New York: Routledge.
- Filliozat, J. 1946-7. "Khotanese Text I," *Journal Asiatique* 235, 134-135.
- Hoernle, A. F. R. 1917. "An Ancient Medical Manuscript from Eastern Turkestan," *Commemorative Essays Presented to Sir Ramkrishna Gopal Bhandarkar*, Poona, 415-432.

- Khan, M. S. 1981. "An Ancient Source for the History of Ancient Indian Medicine," *Indian Journal of History of Science* 16, 47-56.
- Konow, S. 1941. *A Medical Text in Khotanese: Ch. II 003 of the India Office Library with Translation and Vocabulary*, Oslo: Kommisjon Hos Jacob Dybwad.
- Krishna, R. 2003. "Ayurveda-The Ancient Scientific Medicine with Natural Healing," in E. P. Cherniack *et al.* (eds.), *Alternative Medicine for the Elderly*, 235-255, Heidelberg: Springer-Verlag.
- Maggi, M. 2008a. "A Khotanese Medical Text on Poultices: Manuscripts P 2893 and IOL Khot S 9," in R. P. Das (ed.), *Traditional South Asian Medicine*, 77-85, Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
- _____. 2008b. "Jivakapustaka," *Encyclopaedia Iranica*, online, <http://www.iranicaonline.org/articles/jivakapustaka>
- _____. 2009. "Khotanese Literature," in R. E. Emmerick and M. Macuch (eds.), *A History of Persian Literature: The Literature of Pre-Islamic Iran*, 330-417, London: I.B. Tauris.
- _____. 1990. "Das Mahāvaidhakaṃ gṛ̥ṭam in Tocharisch B," *Historische Sprachforschung* 103/1, 159-165.
- Mishra, L. C. 2004. *Scientific Basis for Ayurvedic Therapies*, Boca Raton: CRC Press.
- Monier-Williams, M. 1899. *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford: Oxford University Press.
- Salguero, C. P. 2009. "The Buddhist Medicine King in Literary Context: Reconsidering an Early Medieval Example of Indian Influence on Chinese Medicine and Surgery," *History of Religions* 48, 183-210.
- Skjærvø, P. O. 2004. *This Most Excellent Shine of Gold, King of Kings of Sutras: The Khotanese Suvarṇabhāṣottamasūtra*, 2 vols, Harvard: Harvard University Press.
- Tirtha, S. S. 1998 [repr. 2005]. *The Āyurveda Encyclopedia, Natural Secrets to Healing, Prevention and Longevity*, Canada: Ayurveda Holistic Center Press.
- Wise, T. A. 1845. *Commentary on the Hindu System of Medicine*, Calcutta: Lepage and Co.
- Wujastyk, D. 1985. "Ravigupta and Vāgbhata," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 48/1, 74-78.
- Zhang, G. 1996. "The City-States of the Tarim Basin," *History of Civilizations of Central Asia*, vol. III, *The Crossroads of Civilization: A. D. 250 to 750*, 281-301, Paris: UNESCO Publishing.